سخنرانی استاد معظم حاج سید محمدجواد شبیری دامت برکاته

فضائل امیرالمومنین (علیه‌السلام) - اسوه بودن اهل بیت (علیهم‌السلام) در صبر

1403.09.08

 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین إنّه خیر ناصر و معین الحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا و نبیّنا محمّد و آله اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین.

 قال اللّه تبارک و تعالی في محکم کتابه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/21)

 این جلساتی که توفیق هست خدمت دوستان می‌رسیم قرار هست که با خواندن بعضی از روایات اخلاقی از مواعظ اهل بیت (علیهم‌السلام) بهره‌مند شویم. امروز به مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا (سلام اللّه علیها) مقداری جهت‌گیری بحث ما جنبه تاریخی پیدا می‌کند و به زندگی و سیره حضرت رسول (صلوات اللّه علیه)، حضرت امیر و حضرت زهرا (علیهما السلام) اشاره خواهم کرد؛ البته بحث تاریخ و سیرۀ پیغمبر خودش یکی از منابع مهم اخلاق است و از اخلاق نظری صرف، مهم‌تر است.

در کافی شریف در کتاب الحج بابی هست به نام «باب الإتیان المشاهد و قبور الشهداء». در آنجا یک روایت مفصّلی از معاویة بن عمار نقل شده که قطعات این روایت در جاهای مختلف آمده است. من در کتاب «توضیح الأسناد المشکلة» به تناسبی کل قطعات این روایت رو جمع آوری کردم. از زمانی که شخصی برای حج حرکت می‌کند، آداب و مستحبات و واجبات حج را بیان کرده است. از وقتی که از منزل خارج‌می‌شود می‌رسد به میقات در میقات مُحرم می‌شود به حرم می‌رسد به مکه می‌رسد اعمال عمره تمتع را انجام میدهد از احرام خارج می‌شود اعمال حج تمتع را انجام می‌دهد عرفات و مشعر و منا و سایر اماکن مقدسه را زیارت می‌کند و اعمالش رو انجام می‌دهد از مکه خارج می‌شود می‌آید مدینه، اعمال مدینه رو هم این روایت مفصّل در بر دارد. قطعه‌ای از این روایت را می‌خوانم:

عن معاوية بن عمار قال قال أبو عبد اللّه عليه‌السلام: لا تدع إتيان المشاهد كلّها مسجد قباء فإنّه المسجد الذي «أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» ومشربة أم إبراهيم ومسجد الفضيخ وقبور الشهداء ومسجد الأحزاب وهو مسجد الفتح.

امام صادق (علیه السلام) خطاب به معاویة بن عمار می‌فرماید که «لا تدع إتيان المشاهد كلّها» حتماً مشاهد رو برو. «مشاهد» جمع مشهد هست. مشهد در لغت به معنای محضر الناس آمده. یکی از معانی خاصّه آن این است که جنگ‌ها را هم مشهد تعبیر می‌کنند؛ البته این اختصاص به جنگ ندارد؛ مراد جاهایی است که پیغمبر (صلّی‌اللّه علیه و آله) در آن مکان، یک حضور چشمگیری در میان مردم داشتند.

البته در نقل مرحوم شیخ صدوق به جای «إتيان المشاهد كلّها» دارد «إتیان المساجد بالمدینة». شبیه این در بعضی روایت‌های دیگری که تو همین باب هست آمده است.

 پنج محل رو اینجا دستور داده شده انسان برود. این پنج محل جایی است که پیغمبر(صلّی‌اللّه علیه و آله) در آنجا یک حضور ویژه داشته و در هر پنج محل، امیرالمومنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه یک حضور خاصّ داشته است.

 یکی «مسجد قبا» هست که اوّلین مسجدی هست که پیغمبر درش نماز جمعه خواندند و در هجرت پیامبر(صلّی‌اللّه علیه و آله) به مدینه پیامبر در آنجا مدتی صبر می‌کنند تا امیرالمومنین همراه فاطمیات بیایند در قبا و همراه پیغمبر به مدینه می روند.

 جای دیگری که ذکر شده «مشربۀ امّ ابراهیم» است. مشربۀ امّ ابراهیم باغی بوده از باغ‌های هفتگانه‌ای که مخیریق یهودی به پیغمبر هدیه داده بوده؛ در روایات از این هفت باغ به «حیطان سبعه» تعبیر شده. پیامبر(صلّی‌اللّه علیه و آله) این حیطان سبعه را وقف حضرت زهرا علیهاالسلام کردند و روایاتی که در مورد حیطان سبعه است اشاره به این نکته می کند که اینها وقف هستند نه میراث پیغمبر (صلّی‌اللّه علیه و آله)؛ و پیغمبر از این‌ حیطان سبعه در هنگامی که وقف حضرت زهرا علیهاالسلام بوده و ملک حضرت بوده برای پذیرایی از مهمان‌ها و پذیرایی از کسانی که مشکل داشتند استفاده می‌کرده است. امّ ابراهیم همسر پیامبر (صلّی‌اللّه علیه و آله)، مادر ابراهیم ماریه قبطیه در اینجا اسکان داده شده بود و به همین تناسب اسمش مشربۀ ام ابراهیم بوده. بعضی وقت‌ها پیغمبر (صلّی‌اللّه علیه و آله) به جهتی مثلاً به جهت بیماری در اینجا سکنی داشتند. این مشربۀ امّ ابراهیم الان در مدینه هست قبر نجمه خاتون مادر امام رضا علیه السلام در همین مشربّ امّ ابراهیم است؛ این محل، بیشتر به عنوان قبر نجمه خاتون در میان ایرانی‌ها و شیعیان معروف است. این مشربۀ امّ ابراهیم داستان‌های زیادی دارد. یکی از داستان‌های آن، داستان إفک است. ماجرای تهمتی که عایشه به امّ ابراهیم ماریه زد در همین مشربۀ امّ ابراهیم قصّه‌اش است. داستان اذیت کردن زنان پیامبر (صلّی‌اللّه علیه و آله) که در سوره طلاق آمده در همین مشربۀ امّ ابراهیم است. این جریانات یک مقدار خاصّ هستند؛ امّا یک جریان عمومی در مشربۀ امّ ابراهیم واقع شده که چیزی شبیه یوم الغدیر است. یک روایتی در امالی صدوق مجلس ۲۳ رقم ۱۰ وارد شده که سندش بنابر تحقیق صحیحه است؛ این روایت در بصائر الدرجات صفحه53 با یک مقدار تفصیل بیشتری آمده است. من نقل بصائر الدرجات را می‌خوانم. این روایت که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده چنین است:

«حدثنا ابراهیم بن هاشم عن أبي عبد الله البرقی عن خلف بن حماد عن محمد بن القطبی قال سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول الناس غفلوا قول رسول الله (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) في علي یوم غدیر خم کماغفلوا یوم مشربة أمّ ابراهیم أتاه الناس یعودونه فجاء علي علیه السلام لیدنو من رسول الله (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) فلم یجد مکانا فلما رأی رسول الله (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) أنهم لایوسعون لعلي (علیه السلام) نادی یامعشر الناس فرجوا لعلي ثمّ أخذ بیده فقعده معه علی فراشه ثمّ قال یامعشر الناس! هؤلاء أهل بیتی تستخفون بهم و أنا حيّ بین ظهرانیکم أما و اللّه لئن غبت عنکم فإن الله لایغیب عنکم إن الروح والراحة والرضوان والبشر والبشارة والحب والمحبة لمن ائتم بعلي و ولایته و سلم له و للأوصیاء من بعده حقّا لأدخلنهم في شفاعتي لأنهم أتباعي و من تبعني فإنّه مني مثل جری في من اتبع ابراهیم لأني من ابراهیم و ابراهیم مني دینه دینی وسنته سنتی وفضله من فضلی و أناأفضل منه وفضلی له فضل تصدیق قولی قوله تعالی ذُرّیّهً بَعضُها مِن بَعضٍ وَ اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ و کان رسول الله (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) وثبت قدم في مشربة أمّ ابراهیم حین عاده الناس في مرضه قال هذا»

«الناس غفلوا قول رسول اللّه (صلی الله علیه و آله و سلم) في علي یوم الغدیر کما غفلوا یوم مشربة امّ ابراهیم» مشربۀ امّ ابراهیم یک روز خاصّ و مهم دارد مثل یوم الغدیر. حضرت مریض بودند در آنجا استراحت می‌کردند مردم برای عیادت پیغمبر آمده بودند، «فجاء علی (علیه‌السلام) لیدنو من رسول الله (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) فلم یجد مکانا فلما رأی رسول الله (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) أنهم لایوسعون لعلی (علیه‌السلام) نادی یامعشر الناس فرجوا لعلي» چرا برای علی جا باز نمی‌کنید «فرجوا لعلي».

 به تناسب یک نکته تاریخی عرض کنم؛ از امام صادق (علیه السلام) سوال شد که پیغمبر (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) وقتی حج مشرّف می‌شدند، حجرالاسود را استعلام می‌کردند؛ ولی شما استعلام نمی‌کنید. حضرت فرمود: مردم احترام پیغمبر را رعایت می‌کردند راه باز می‌کردند پیغمبر می‌رفت حجرالاسود رو استعلام می‌کرد و دست به حجرالأسود می کشیدند؛ ولی این مردم، احترام من را رعایت نمی‌کنند «و إنّي أکره الزحام» من از اینکه من مزاحم مردم بشوم مردم مزاحم من بشوند خوشنود نیستم از مزاحمت خوشم نمی‌آید بنابراین این کارو نمی‌کنم. این نکته را می‌خواهم عرض کنم که احترام اهل بیت (علیهم السلام) را رعایت نمی‌کردند. چه در زمان پیغمبر (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) و چه پس از حضرت.

پیامبر سپس فرمود: «یامعشر الناس فرجوا لعلي ثم أخذ بیده فقعده معه علی فراشه» دست حضرت علی رو گرفتند در کنار خودشان نشاندند «ثم قال یامعشر الناس هؤلاء أهل بیتی تستخفون بهم و أنا حيّ بین ظَهرانیکم» به اهل بیت من استخفاف می‌کنید آنان را کوچک می‌شمارید در حالی که من زنده هستم یعنی بعد از من چه خواهید کرد، «أما و الله لئن غبت عنکم فإن الله لایغیب عنکم» بدانید اگر من از شما پنهان شدم خدا پنهان نمی‌شود نسبت به اهل بیت من خدا را در نظر بگیرید بعد از من هم به آنان توهین نکنید. بعد حضرت یک کلام مفصّلی دارند در مورد فضیلت کسی که به حضرت علی و اوصیاء بعدی اعتماد کند و آنان را پیشوا و امام خودش قرار دهد. روایت جالبی است ملاحظه بفرمایید.

جای دیگری که در روایت معاویة بن عمار به آن اشاره شده بود «مسجد الفضیخ» است. مسجد فضیخ جایی است که برای امیرالمومنین (علیه‌السلام) در زمان پیغمبر (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) ردّ شمس شده که روایتش در کافی تو همین باب آمده. نخلی در مسجد بوده که اسمش فضیخ بوده به همین خاطر، به این مسجد، «مسجد فضیخ» می‌گفتند. داستان رد شمس هم تو همین باب آمده ملاحظه بفرمایید. این مکان هم یکی از جاهایی است که حضور چشمگیر پیامبر (صلّی‌اللّه‌علیه‌و‌آله) در میان مردم با بیان و اتفاق افتادن فضیلتی برای امیرالمومنین علیه السلام همراه بوده است.

 «و قبور الشهداء». قبور شهدا احد منظور است. در جنگ احد، مردانگی امیرالمومنین خودش رو نشان داده، به طوری که از جبرائیل یا پیامبر صلی الله علیه و آله گفته می‌شود «لا سیف الا ذوالفقار ولا فتی الا علي»؛ در مورد احد است اگر اشتباه نکنم.

مکان بعدی، «مسجد الاحزاب» است، مسجد احزاب مربوط به جنگ احزاب است که مسجد فتح است. آیه‌ای که در ابتدای عرائضم خواندم در سوره احزاب است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/21). «اسوه» اصلش به معنای الگو و عمدتاً هم مثال‌هایی که برای اسوه است، اسوۀ در صبر و استقامت در مقابل مشکلات است. حدیث شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت ولیعصر وارد شده «اِنَّ لی في ابنة رسولِ الله اُسوةٌ حَسَنَةٌ» اشاره به این است که حضرت زهرا (علیهاالسلام) یک الگوی صبر و استقامت است. وقتی افراد، حضرت زهرا (علیهاالسلام) را پیش چشم خود قرار می‌دهند مصیبت‌های دیگر پیش چشمشان کوچک می‌شود؛ هیچ مصیبتی در مقابل مصیبتی که حضرت زهرا (علیهاالسلام) تحمّل کرده، مصیبت بزرگ به شمار نمی‌رود. آیه‌ای که از سوره مبارکۀ احزاب خواندم اشاره به داستان جنگ احزاب است. در جنگ احزاب، حضرت امیر (صلوات الله علیه) با کشتن عمر بن عَبدِوَد، جنگ را فیصله می‌دهد و مسیر جنگ تغییر می‌کند.

روایت‌های دیگری در مورد این پنج مکان تو همین باب در کتاب کافی است که ملاحظه بفرمایید. در ذیل این روایت می‌گوید: «وبلغنا أن النبي (صلى‌الله‌عليه‌وآله) كان إذا أتى قبور الشهداء قال السلام عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» پیامبر به شهدا سلام می‌کند به احترام صبری که در راه خدا داشتند سپس به بهشتی که در پیش رو دارند بشارت می‌دهد.

وقتی ما مراجعه می‌کنیم به جاهایی که پیغمبر در آنجا حضور دارد یاد پیغمبر زنده می‌شود، «لقد لکان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله والیوم الاخر و ذکر الله کثیرا» رفتار پیامبر اسوه حسنه است برای اینکه انسان به یاد خدا بیفتد. رفتن به جاهایی که پیامبر حضور چشمگیر دارد، زمینه یک نوع موعظه است.

در مورد شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) روایت صحیح السند دارد عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول عاشت فاطمة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خمسة و سبعین یوماً. حضرت زهرا علیهاالسلام بعد از پیغمبر ۷۵ روز عمر کردند؛ جمع این روایت با روایت سوم جمادی الثانی که راویت صحیح السند دارد این است که این ۷۵ روز زمانی بوده که حضرت سرپا بودند مقداری حالشان مساعد بوده؛ البته حضرت زهرا بعد پیغمبر صلی الله علیه و آله «مازالت بعد ابیها مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ» (پيوسته سرى بسته از شدت درد) ولی نسبتاً حالشان بهتر بوده می‌توانستند به محل جنگ احد بروند؛ می‌توانستند مصحف فاطمه را از جبرئیل دریافت کنند. و الا اون ایام دو هفته آخر، حضرت در بستر بودند و دیگر توان این رفت و آمدها را نداشتند «لم تر كاشرة و لا ضاحكة» حضرت نه متبسّم بودند و نه خنده به لب حضرت می آمد «تأتي قبور الشهداء في كل جمعة مرتين الاثنين والخميس» هر هفته دوبار می‌رفتند احد، قبور شهدا «فتقول هاهنا کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» حضرت یک نوع مصیبت جنگ احد رو هم می‌خواندند و داستان جنگ احد را برای اطرافیانی -که قاعدتاً همراه ایشان بودند- تعریف می‌کردند که پیغمبر اینجا بود مشرکین اینجا بودند «ههنا کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وههنا کان المشرکون» یک نوع تجسیم قضیه احد را حضرت انجام می‌دادند برای اینکه آن فداکاری‌هایی که پیغمبر انجام دادند را برای مردم زنده نگه دارند. ما همیشه حواسمان باید باشد این دینی که به دست ما رسیده خیلی برای آن فداکاری شده خیلی سختی‌ها کشیده شده و به آسانی به دست ما نرسیده است.

مشاهدی که مستحب شده که انسان برود اماکنی است که با رفتن به آن اماکن، یاد فداکاری‌های پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، فداکاری‌های امیرالمومنین (علیه‌السلام) و فداکاری‌های اهل بیت (علیهم السلام) زنده می‌شود، کما اینکه بعضی زمان‌ها هم همینجور است که این زمان‌ها زمان زنده‌کردن یاد اولیاء الهی است و باید انسان حواسش به این زمان‌ها باشد.

 یکی از زمان‌هایی که زمان یاد اهل بیت (علیهم السلام) است، زمان ولادت و وفات ائمه (علیهم السلام) است. در آستانه سوم جمادی الثانی هستیم. سوم جمادی الثانی روایتی از امام صادق علیه السلام دارد. قبلا در مورد این روایت و سندش مفصّل بحث‌کرده‌ام که صحیح السند است. إن قلت‌های در موردش است که الان قصد ندارم وارد آن بشوم. روایت مفصّلی است. در ذیل این روایت این داستان آمده که حضرت زهرا (علیهاالسلام) در زمان بیماری که در بستر بودند، آن دو نفر آمدند پیش حضرت، حضرت زهرا (علیهاالسلام) اوّل از آنها اقرار گرفتند که آیا پیغمبر نفرمود که «إنّما فاطمة بضعة منّي فمن أغضبها فقد أغضبني». روایت با این تعبیر تمام می‌شود که حضرت زهرا علیهاالسلام از دنیا رفتند «و هي ساخطة علیهما». ذیل روایت را ملاحظه بفرمایید.

 قطعه اوّل روایت، در مورد حضرت زهرا (علیهاالسلام) دارد که «قبضت في جمادي الآخرة يوم الثلاثاء لثلاث خلون منه سنة إحدى عشرة من الهجرة»، حضرت زهرا روز سه شنبه سوم جمادی الثانی از دنیا رفتند در سال ۱۱ هجرت «و كان سبب وفاتها أنّ قنفذا مولى عمر لكزها بنعل السيف بأمره، فأسقطت محسنا و مرضت من ذلك مرضا شديدا» این روایت رو خیلی شنیدید ولی می‌خوام بعضی از واژه‌های این روایت را مقداری دقیق‌تر معنا کنم. معنای «لکز‌ها» چیست؟ در صحاح دارد «اللَکز الضربُ بالجُمعِ علی الصدر» «جُمع» یعنی مشت، این انگشت‌ها که گره می‌شود جمع می‌شود به این می‌گویند «جُمع». از قول ابوعبیده نقل می‌کند «اللکز الضرب بالجمع علی الصدر» با مشت به سینه کسی کوبیدن. ولی یک تعبیر دیگر‌ی دارد می‌گوید «و قال ابو زید فی جمیع الجسد». لَکز به مشتی می‌گویند که تو تمام بدن کوبیده بشود. تو کتاب محکم هم همین رو دارد «لکز: لکزه یلکزه لکزاً هو ضرب بالجمع فی جمیع الجسد». از این‌رو، در روایات و اشعار بعضی از شعرا در مورد حضرت زهرا رضّوها تعبیر شده. رضّوها یعنی له‌کردن. تعبیری که در مورد حضرت سیدالشهدا صلوات الله علیه هم آمده است. یک شعری است که حضرت زهرا سفارش کرده که این شعر خوانده شود. داستانش را الان کار ندارم[[1]](#footnote-1). در مورد حضرت سیدالشهداء است «ايّها العينان فيضا واستَهِلا لاتغيضا» ای چشم‌ها گریه کنید اشک بریزید از گریه باز نایستید «وابكيا بالطف ميتا ترَكَ الصدر رضيضا» این «ترَكَ الصدر رضيضا» دقیقاً ترجمه لَکز است. «الضرب بالجُمع علی الصدر». «وابكيا بالطف ميتا ترَكَ الصدر رضيضا» می‌گوید آن کسی که در صحرای کربلا روی زمین افتاد، برای خانواده‌اش چه چی به ارث گذاشت یه سینه خرد شده. روایتی از امام باقر علیه‌السلام وارد شده است. امام باقر (علیه السلام) در روز عاشورا کمسال بودند ولی در کربلا حضور داشتند و شاهد زنده حادثه کربلا هستند، تو روایت این است «کان أبي مفتوناً یوم قتل حسین بن علي علیه السلام» پدرم امام سجاد در روز عاشورا بیمار بودند توضیح می‌دهد در مورد آن حادثه و حملاتی که حضرت سیدالشهدا به یمین و یسار می‌کردند. تعبیری دارد من عبارت عربی رو می‌خوانم ولی نمی‌توانم ترجمه کنم «لقد قتلوه ِقتلَة نهی رسول الله(ص) ان یُقتَل بها الکلاب لقد قُتِل بالسیف والسنان» حضرت سیدالشهدا به چه وسیله‌ای به شهادت می‌رسد هرچی دستشان رسید برای شهادت حضرت سیدالشهدا مورد استفاده قرار گرفت «لقد قتل بالسیف» با شمشیر «و السنان» با نیزه «و بالحجارة» با سنگ «و بالخشب» سنگ گیرش نیومد چوب برداشت «و بالعصا». بعد از به شهادت رساندن حضرت هم آرام نگرفتند «وَ لَقَدْ أوْطَأَهُ الْخَيلُ بَعدَ ذلِكَ» اسب به بدن حضرت تازاندند «ترَكَ الصدر رضيضا» (سینه حضرت را له کردند).

انشالله حضرت ولیعصر (علیه‌السلام) می‌آیند انتقام جنایت‌هایی که به اهل بیت شده را می‌گیرند. اولین کسی که در رجعت برمی‌گردد، بنابر روایات، حضرت سیدالشهداء است «ای دادخواه فاطمه پا در رکاب کن» حضرت می‌آیند و آن کسانی که به مادرشان زهرا جسارت کردند را به جزای اعمالشان می‌رسانند انشالله.

 خدایا توفیق بده ما هم در آن موقع باشیم اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا انشالله.

خداوند این برکت محبت اهل بیت رو تا دامنه قیامت در ما و نسل ما مستدام بدارد انشالله.

با عاقبت بخیری با محبت اهل بیت از این دنیا بریم.

همه کسانی که از این دنیا می‌روند حضرت امیر (صلوات الله علیه) را موقع مرگ می‌بینند ولی کسی که شیعه امیرالمومنین باشد با دشمن امیرالمومنین فرق دارد. دشمن امیرالمومنین از دیدن حضرت امیر ناراحت می‌شود ولی شیعیان امیرالمومنین خوشنود می‌شوند خدایا مرگ ما رو باعث خوشنودی ما با دیدار امیرالمومنین علیه سلام قرار بده.

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه ساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. . دارالسلام مرحوم نوری جلد يک صفحه دويست و چهارده از امالی مفيد نيشابوری نقل شده:

خانم و مخدره‌ای كه نوحه گر و مداحه بنام زره بوده كه در تمام مجالس زنانه شركت ميكرده و اقامه عزاداری حضرت سيدالشهداء اباعبداللّه الحسين ع را برپا می‌نموده و خانم خوب و اهل تقوی بوده و مخدرات ديگر را تشويق به عزاداری و گريه مي‌نموده. برای عزاداری اهلبيت هركاری كه از دستش برمی‌آمده انجام می‌داده است.

يك‌شب كه بعد از جلسات به منزلش برمي‌گردد باحال خسته به بستر می‌رود و بخواب می‌رود.

در عالم خواب می‌بيند كه مشرّف شد محضر مقدّس بی بی عالم فاطمه زهرا (سلام اللّه عليها)؛ حضرت، نزد قبر مقدّس حضرت سيد الشهداء (علیه‌السلام) نشسته و گريه و زاری می‌كند.

و بعد با چشم گريان رو به اين مخدره کرده و می‌فرمايند: در مجالس عزای فرزند دلبندم سيدالشهداء (علیه‌السلام) اين اشعار را بخوان:

ايّها العينان فيضا واستهلا لاتغيضا وابكيا بالطف ميتا ترك الصدر رضيضا لم امرضه قتيلا لا و لا كان مريضا يعنی: ای دو چشمان و ای دو ديده من اشك بسيار از چشم و ديده بريزيد، زياد گريه كنيد، و به اشک كم اكتفا نكنيد، و گريه كنيد بر آن شهيدی كه در زمين كربلا افتاده و سينه‌ای له شده به ارث گذاشته. و مريض از دار دنيا نرفت بلكه او را كشتند. [↑](#footnote-ref-1)